

بررسی واگرایی و تنش سیاست خارجی ایران و عربستان با ظهور تحولات نوین

خاورمیانه

مهدی پادروند^۱، بابک بابایی^۲

چکیده

عربستان بعد از انقلاب ایران به دلیل نداشتن مشروعیت سیاسی کافی برای ادامه حیات رژیم خود همواره از نفوذ اندیشه انقلابی و همچنین نسبت به هر گونه اقدام برای تغییر اوضاع در منطقه واکنش نشان داده است. بنابراین نگرانی خود را بعد از بهار عربی به ویژه در بحران‌های سوریه و یمن و... بیشتر نشان داد. این تحقیق با هدف بررسی دلایل واگرایی بین این دو کشور انجام شده و لذا سوال اصلی این پژوهش بدین گونه مطرح می‌شود که مهم‌ترین عوامل بعد از بهار عربی که باعث واگرایی بیشتر سیاست خارجی ایران و عربستان شده است چه عواملی می‌تواند باشد؟ فرضیه‌ی کار بیان می‌دارد به نظر می‌رسد که، حمایت ریاض از تروریسم‌های تکفیری در سوریه که باعث کشته شدن هزاران نفر در این کشور شد و همچنین حمله وحشیانه‌ی به یمن و تقابل سیاست خارجی طرفین در بحرین و عراق از مهم‌ترین مظاهر واگرایی بین این دو کشور به شمار می‌رود. لذا به نظر می‌رسد عوامل این واگرایی واهمه دولت ریاض از نفوذ انقلاب اسلامی ایران به کشور خود و رقابت برای نفوذ در منطقه باشد. این تحقیق که به صورت کتابخانه‌ای و جمع‌آوری اطلاعات آن از خواندن کتب، مقالات، و منابع اینترنتی انجام شده یافته‌های آن بیان می‌دارد با وجود اختلاف‌های موجود در بین طرفین کشورهای غربی به رهبری آمریکا و همچنین رژیم صهیونیستی در شدت تضاد در بین کشورهای منطقه نقش پررنگی داشته است و کاخ سفید برای تضمین امنیت این رژیم غاصب از هرگونه امکانات استفاده می‌کند که امروزه مهم‌ترین این امکانات استفاده کردن از جنگ فرقه‌ای و حمایت از تروریسم‌های تکفیری با کمک کشورهای هم پیمان خود در منطقه است و در این بین مهم‌ترین تهدید برای منافع تعریف شده خود در خاورمیانه را ایران می‌داند و دولت ریاض و آمریکا برای منزوی کردن آن نهایت تلاش خود را انجام می‌دهند.

کلید واژه: تحولات نوین خاورمیانه، سیاست خارجی ایران، سیاست خارجی عربستان، واگرایی ایران

و عربستان

^۱. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان و نویسنده مسئول. ایمیل

padervand.mahdi@gmail.com

^۲. فارغ‌التحصیل کارشناسی حقوق دانشگاه پیام نور واحد بلدختر. کارشناس حقوقی شهرداری چغابیل

مقدمه

نگاه دقیق به سیاست خارجی ایران و عربستان مستلزم نگاه دقیق می‌باشد. لذا باید آن را در قالب جنگ سردی منطقه ای بررسی کرد. چراکه تأثیرات تنش موجود در سیاست خارجی ریاض و تهران باعث تشدید گسل های قومی مذهبی در این کشورها می‌شود. به عبارتی دیگر، متأثر از نوع تفسیر دو کشور از دین اسلام، رقابت‌های منطقه ای ایران و عربستان خود را به صورت جنگی نیابتی در کشورهایی که دچار گسل مذهبی شیعی- سنی هستند نشان می‌دهد (مدنی و هواسی، ۱۳۹۳ص ۷۳). با اوج گیری تنش‌های ذکر شده می‌بینیم رقابت‌های این دو کشور شکلی مذهبی به خود گرفته است؛ رقابتی که به ویژه در سال‌های پس از حوادث یازده سپتامبر و به خصوص با شروع بهار عربی و بحران‌های وابسته به آن بسیار تشدید شده است. اما با شروع بهار عربی هر کدام از دو کشور در صدد هستند که منافع خود را تامین کنند و این موضوع باعث شد که شکل جدیدی از رقابت دو کشور در منطقه ایجاد شود. به همین دلیل، وقوع خیزش‌های عربی بر دامنه تخاصمات عربستان با ایران با تکیه بر سرایت خیزش‌های عربی به « محور مقاومت » افزود (احمدیان و زارع، ۱۳۹۰ص ۸۰-۷۹).

و این موضوع باعث شد که ریاض نیز برای حفظ منافع ملی خود استراتژی خاصی را برای سیاست خارجی خود اتخاذ کند. در این چارچوب بود که به تجهیز و حمایت از گروه‌های اسلام- گرای سنی در سوریه پرداخت و منجر به وضعیتی شد که هم اکنون در سوریه هدف خود را ساقط کردن دولت این کشور برای سست کردن پایه و اساس متحدان منطقه‌ای ایران معرفی می‌کند (جانسیز، بهرامی، ستوده ۱۳۹۳ص ۷۳). همانگونه که در قسمت چکیده مطرح شد این تحقیق به هدف بررسی لازم برای شناسایی و تشریح دلایل واگرایی بین ایران و عربستان به عمل آمده است. و لذا این موضوع از آنجا که دو کشور از هر نظر مهم‌ترین و تاثیر گذار ترین کشورهای منطقه به شمار می‌روند هرگونه واگرایی در سیاست خارجی آن‌ها باعث جنگ‌های فرقه ای - و مذهبی می‌شود که امروزه ما شاهد آن هستیم و تحقیق و پژوهش در این باره به ما کمک می‌کند تا راه‌های لازم و درست را برای حل این تضادها پیدا کنیم و از هرگونه تنش در منطقه جلوگیری کنیم. کشور عربستان با وجود ایران هراسی که توسط آمریکا بعد از انقلاب اسلامی و از دست دادن منافع خود در ایران به راه انداخته است، برای جلوگیری از نفوذ اندیشه‌های انقلابی ایران به کشور خود و همچنین به کشورهای هم پیمان از هرگونه امکاناتی استفاده می‌کند این تحقیق که به صورت کتابخانه ای انجام شده است کلیه اطلاعات آن از طریق خواندن کتب و مقالات متعدد به دست آمده است در ادامه تقابل سیاست خارجی طرفین را در بحران‌ها و در کشورهای منطقه به خصوص سوریه، بحرین، یمن، و همچنین به نقش کشورهای فرا منطقه ای در ایجاد تنش بین این دو کشور پرداخته می‌شود. اما در این باره پژوهش‌های زیادی انجام شده است که در پژوهش مشابه توسط

آقای دکتر صادقی و آقای لطفی تحت عنوان "تحلیل مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه" پرداخته که بر اهمیت‌های رژیم سوریه برای نظام جمهوری اسلامی ایران و همچنین پیوندهای زیاد بین طرفین در همه زمینه‌ها اشاره کرده است. در پژوهش دوم که توسط آقای دکتر مهدی میرزاده کوهشاهی تحت عنوان "استراتژی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه؛ سناریو و پیامدها" انجام شده است. به پیامدهای این بحران برای کشورهای منطقه به خصوص کشورهاییی که در جبهه مقاومت قرار دارند و امروزه پشتیبان دولت سوریه هستند پرداخته است. در مقابل در مورد سیاست خارجی عربستان نیز پژوهش‌های مختلفی انجام شده است که به عنوان نمونه تحقیقی است که آقای دکترهدایتی شهیدانی مهدی و سجاد کلارد مرادی، تحت عنوان "تبیین سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال تروریسم تکفیری در عراق و سوریه" به بررسی سیاست خارجی عربستان در قبال تروریست‌های تکفیری در عراق و سوریه و اهداف عربستان برای حمایت از این گروه‌ها پرداخته‌اند. در تحقیق بعدی که توسط آقای دکتر نجات سیدعلی و همکاران تحت عنوان "راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن" به تضاد موجود در سیاست خارجی دو کشور ایران و عربستان در بحران یمن پرداخته است. پژوهش حاضر ضمن تمجید از تحقیق‌های انجام شده در این باره به بررسی سیاست خارجی ایران و عربستان در کشور سوریه، یمن، بحرین می‌پردازد و به نوبه خود از تحقیق‌های ذکر شده مجزا خواهد بود.

تنش در سیاست خارجی ایران و عربستان در منطقه

۱- بحران سوریه و استراتژی دو کشور

معمای امنیتی ایران در سوریه و ادامه بحران در آن کشور به ویژه در صورت تغییر قدرت حاکم، چالش‌هایی را در قالب قطع پل ارتباطی بین ایران و متحدان منطقه‌ای آن، کاهش و یا قطع قدرت نفوذ ایران در آن منطقه، آسودگی خاطر رژیم صهیونیستی، گسترش گروه‌های رادیکال مخالف با ایران و... را به دنبال خواهد داشت. به عبارت دیگر متحدان ایران با خطری جدی مواجه می‌شود(ترابی و محمدیان، ۱۳۹۴: ۷۷). این مسائل ادامه دهنده سیاست خارجی ریاض در منطقه است که در سال‌های گذشته در چارچوب رقابت با ایران بر سر برتری منطقه ای به شدت از گسترش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در عراق و سوریه و تشکیل آنچه که کشورهای عربی به عنوان(هلال شیعی) از آن یاد می‌کنند نگران بوده و تلاش کرده‌اند که این نفوذ را از طریق تقویت معارضین سوری و یا هرگونه اقدامی که منجر به بحرانی برای ایران شود مهار کنند(نجات و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۷).

با توجه به حمایت‌های مذکور از تروریست‌های منطقه که امروزه در سوریه و عراق میدان نبردی را تدارک دیده‌اند، می‌توان اینگونه بیان داشت که، گروه‌های مذکور را باید به عنوان نیروی سیاسی جدید دانست که تلاش دارند تا در معادله و موازنه قدرت منطقه با توجه به حمایت‌های

که از آن‌ها می‌شود تاثیر به جای گذارد. چنین نیروهای را باید انعکاس نقش آفرینی عربستان به عنوان رقیب ایران که خود را رهبر جهان عرب می‌داند و امروزه نیز به ایجاد یک ائتلاف با آمریکا اقدام نموده دانست. اگرچه آینده سیاسی چنین نیروهای در هاله از ابهام قرار دارد اما باید بر این امر واقف بود که این روند رادیکالی که این گروه‌های و ائتلاف غربی-عربی که در منطقه در پیش گرفته‌اند آینده امنیت منطقه را برای تمام کشورها به خطر جدی مواجه می‌کنند (متقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۷-۳۵). بنابراین با وجود اینکه سوریه تنها متحد را هبردی ایران میان کشورهای عربی است و با سیاست‌های غرب‌ستیز ایران همسویی بالایی دارد، طبیعتاً مواجه شدن آن با هرگونه بحرانی بر امنیت و منافع ملی ایران نیز تأثیر مستقیم برجای خواهد می‌گذارد. در این چارچوب اتحاد و ائتلاف ایران و سوریه می‌تواند تلاشی استوار برای جلوگیری از بر هم خوردن امنیت منطقه-ای و داخلی خود و جلوگیری از توسعه گروه‌های تکفیری در منطقه دانست.

در مقابل ایران همکاری و ایجاد ائتلاف با روسیه همچنین شبه‌نظامیان حزب‌الله را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده و با ایجاد موازنه در مقابل این تهدید ذکر شده از دولت سوریه حمایت می‌کند. در مقابل کشورهای نفت خیز عربی با رهبری عربستان و نیز حمایت آمریکا از شورشیان برای حذف اسد حمایت می‌کنند. تا از نفوذ سیاسی ایران و متحدان منطقه‌ای آن بکاهند. لذا با افزایش قدرت منطقه ای ایران این واکنشات نیز بیشتر شد و شاید دلیل آن نیز روی کار آمدن یک پادشاه جنگ طلب در عربستان باشد که امروزه در بحران سوریه یک جنگ سرد منطقه ای با ایران ایجاد کرده و باعث گسترش جنگ در این کشور شده است (Max fisher, 2016). اما ذکر این نکته لازم است که، به نظر می‌رسد دلیل ایجاد ائتلاف با آمریکا و رژیم اشغال‌گر قدس به وسیله کشورهای عربی نیز می‌تواند ایران‌هراسی ایجاد شده توسط رسانه‌های غربی در منطقه باشد.

اما برای روشن‌تر شدن موضوع باید به این نکته نیز توجه کنیم که اختلاف نظر مذکور بر سه وجه قرار دارد که مهم‌ترین وجه آن عبارت‌اند از: سطح دیدگاه مخالفین که نمی‌توانند از طریق نظامی دولت کنونی سوریه را کنار بزنند و همواره بر رفتن بشار اسد تاکید دارند. دومین سطح اختلاف نظر ایران و عربستان است که در مطالب فوق به آن اشاره کردیم. در حالی که ایران و متحدان خود بر راه حل سیاسی این بحران تاکید می‌کند رژیم آل سعود به برکناری اسد را از قدرت سوریه به همراه متحدین خود (ترکیه-اردن و ..) اصرار دارد. در سومین سطح به رقابت ژئوپلیتیک آمریکا و روسیه باید توجه کنیم. آمریکا در صدد حذف اسد است در حالی که دیدگاه مسکو مخالف آمریکا می‌باشد (Liangxiang, 2016). بنابراین جمهوری اسلامی ایران در چارچوب دفاع تهاجم بر این اعتقاد است که، افق راه حل سیاسی- نظامی سوری کاستن از نزاع بین جامعه و دولت این کشور برای ایجاد جبهه واحد علیه داعش و القاعده می‌باشد.

همانگونه که مطرح شد خاورمیانه به عنوان یکی از زیر سیستم‌های منطقه‌ای ایران، منطقه‌ای مهم و استراتژیک از دیرباز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و همواره مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای رقیب ایران از جمله عربستان و جهانی قرار گرفته است. وجود منابع طبیعی همچون نفت و گاز و همچنین موقعیت ژئوپلیتیکی راهبردی باعث شده این منطقه همواره مستعد مناقشه و درگیری و ائتلاف‌های متعدد برای رسیدن به منافع کشورها باشد. به همین دلیل در طول تاریخ، این منطقه با جنگ‌ها و ناآرامی‌های عدیده‌ای مواجه بوده که با منافع کشورهای مختلف جهان گره خورده است. بنابراین با وقوع بیداری اسلامی در برخی کشورهای منطقه و گسترش دامنه آن، نهایتاً کشور سوریه نیز در مدار این تحول قرار گرفته و با بحرانی شدن تحولات در سوریه و دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای عملاً باعث شد بحران سوریه به بن بست تبدیل شود که در کوتاه مدت و میان مدت چشم اندازی برای پایان آن وجود نداشته باشد (میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۳: ۱۷۳).

مذاکره آستانه و همکاری و ائتلاف ایران با روسیه و ترکیه نیز از جمله تلاش‌هایی بود که جمهوری اسلامی ایران جهت حل بحران فعلی سوریه و جلوگیری از استراتژی عربستان که با حمایت‌های آمریکا در منطقه به طور مداوم امنیت منطقه را با مشکل مواجه کرده است انجام داد. در این نشست سه کشور توافق کردند که منطقه امن در جهت کاستن از تنش‌های موجود در سوریه را ایجاد کرده و نیروهای روسیه به عنوان حافظ صلح در این منطقه باشند. الکساندر لاورنتیف نماینده رئیس جمهور پوتین در این نشست که با حضور نماینده اپوزیسیون سوریه برگزار شد اظهار کرد که "ما اعتقاد داریم که بحران سوریه تنها از طریق روش سیاسی قابل حل است". در این باره نیز نماینده سازمان ملل در بحران سوریه استفان دی میستورا بیان کرد که "نشست آستانه گامی در جهت بهتر کردن اوضاع سوریه است". اپوزیسیون سوریه نیز به دلیل عدم اطمینان از جمهوری اسلامی ایران که مهم‌ترین حامی دولت فعلی سوریه است خواستار نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در سوریه شدند (Gizitdinov & meyer, 2017). در نشست آستانه که در تاریخ ۹۵/۱۱/۱۸ برگزار شد، وزیر امور خارجه ایران آقای ظریف نیز بر راه حل سیاسی برای حل این بحران تاکید کرد. بنابراین مذاکرات آستانه ایران و روسیه به همراه ترکیه در موضوعات مهمی به توافق رسیدند که مهم‌ترین این مسائل عبارت‌اند از:

(الف). احترام سه کشور به تمامیت ارضی، حاکمیت و استقلال سوریه.

(ب). سه کشور متقاعد شدن که برای حل این بحران راه حل نظامی وجود ندارد.

1 - Alexander Lavrntyf

2 . Staffan de Mistura

پ). ضمن تاکید مجدد بر راه‌حل سیاسی برای حل این مسئله به نقش سازمان ملل و شورای امنیت برای حل این مشکل بر طبق قطعنامه ۲۲۵۴^۱ تاکید کردند.
ت). وزرای سه کشور بر اهمیت آتش بس و کمک‌های بشر دوستانه بدون مانع و بدون حضور نظامیان به توافق رسیدند.

ث). توافق برای مبارزه با داعش و النصره بین سه کشور.
در ادامه این مذاکرات آقای ظریف بیان داشت که، دولت و ملت ایران در کنار روسیه برای مبارزه با داعش است. آقای ظریف بر این موضوع نیز تاکید کرد که اقدامات تروریستی هیچ‌گونه توجیهی ندارند و کشورهای حامی این گروه‌ها باید از عواقب فاجعه بار این حمایت‌ها آگاهی داشته باشند (Jim W. Dean, 2016). همانگونه که توضیح داده شد ایران و روسیه هم‌زمان با درگیری نظامی با تروریست‌های تکفیری به فکر حل کردن این بحران به صورت سیاسی هستند. این نکته را باید مورد توجه قرار داد که علاوه بر نشست آستانه ایران در نشست وین بر راه‌حل سیاسی در جهت حل بحران به همراه روسیه تاکید کرد. به نظر می‌رسد که اعلام نیاز به ایران و دعوت از این کشور برای شرکت در نشست وین و آستانه می‌تواند باب تازه‌ای در بحران سوریه بگشاید و به عقب راندن دیدگاه‌های افراطی کشورهایمانند عربستان منجر شود که با سیاست‌های افراط گرایانه و بی ثبات ساز خود نه تنها سوریه را به ورطه نابودی کشانده‌اند، بلکه جهان را با تهدید رو به گسترش گروه‌های تروریستی مواجه کرده‌اند.

۲- بحران یمن و استراتژی دو کشور

اهمیت تحولات یمن و اقدام عربستان در حمله به مواضع نیروهای انصارالله به اندازه ای است که می‌تواند ترسیم کننده مرزهای سیاسی-امنیتی جدیدی در خاورمیانه باشد. به عبارتی دیگر، در تداوم بحران‌های سوریه و عراق، تحولات یمن و حمله عربستان به این کشور می‌تواند تثبیت کننده یا بر هم زننده توازن شکننده قدرت در خاورمیانه باشد این نوشتار بر این اعتقاد است که الزامات ساختاری منطقه ای است که عربستان را واداشت به چنین اقدامی دست بزند و همین الزامات نیز می‌تواند گسترش ابعاد این حمله را باعث شود و تشدید بحران‌های امنیتی در خاورمیانه را به دنبال داشته باشد.

بی ثباتی در حوزه خلیج فارس، چالش‌های منطقه ای و فرمانطقه ای گسترده ای به دنبال خواهد داشت ابهام در آینده سیاسی و امنیتی کشورهای عربی منطقه، نگرانی‌های عمده‌ای برای عربستان که از مشروعیت سیاسی قابلی برخوردار نیست را ایجاد کرد. لذا ریاض در چارچوب این

۱. قطعنامه‌ای است که شورای امنیت بر برقراری آتش بس در سوریه، انتخابات ظرف ۱۸ ماه، و تشکیل دولت ملی ظرف ۶ ماه تاکید کرد.

نگرانی در صدد است از هرگونه تغییر رژیم که ممکن است از نفوذ همه جانبه آن بکاهد واکنش نشان می‌دهد و در برخی کشورهای از جمله یمن به رویکرد تهاجمی روی آورده است. با آغاز بحران در یمن که دارای ساختار قبیله‌ای در منطقه می‌باشد سران قبایل از بدنه نظام جدا شده و همواره در صدد هستند که نظامی جدید روی کار بیاورند. اما همچنان ناامنی و تکثر و بی‌نظمی سیاسی در این کشور به چشم می‌خورد نگاه عربستان سعودی به منطقه خلیج فارس به مثابه حوزه‌ای راهبردی برای نفوذ است؛ لذا تلاش دارد به عنوان یک قدرت منطقه‌ای بر روند تحولات آن تاثیرگذار باشد (صادقی و احمدیان، ۱۳۸۹، ص: ۲۵۶-۲۵۰).

عربستان سعودی در چارچوب یک ائتلاف از کشورهای عربی اکثریت سنی بحرین، مصر، اردن، کویت، مراکش، قطر، سودان و امارات متحده عربی که شامل تمام کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به جز عمان می‌شود در روز ۲۶ مارس را علیه یمن و انصارالله آغاز کرد. که این اقدام با انگیزه‌های گوناگونی صورت گرفته است این تهاجم نظامی در حالی رخ داده است که بعد از برکناری صالح از قدرت، نفوذ و قدرت حوثی‌ها در یمن افزایش چشم‌گیری داشته و این امر نگرانی‌های جدی را برای عربستان و هم‌پیمانان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای خود ایجاد کرده است. اما ذکر این نکته لازم به نظر می‌رسد که، همواره کشور یمن در دوره‌های تاریخی متعدد برای عربستان سعودی از اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده و سیاست‌های این کشور به طور مستمر در جهت حفظ یک دولت هم‌پیمان و هم‌سو با سیاست‌های عربستان در یمن بوده که بعد از سقوط حکومت صالح، عربستان سعودی امیدوار بود تا با به قدرت رسیدن منصورهادی به عنوان یک شخصیت نزدیک به این کشور تا حدی بتواند منافع راهبردی خود را در یمن نه همانند گذشته حفظ کند. اما با استعفای هادی و به دنبال آن انحلال مجلس نمایندگان یمن و فرار هادی به عدن، عربستان سعودی که نگران از تهدید منافع خود در یمن بود با همراهی ائتلاف به یمن حمله کرد و تا کنون هزاران نفر از مردم یمن کشته، زخمی و آواره شده‌اند.

مجموعه این مسائل باعث شده است که عربستان و ایران دو قدرت منطقه‌ای در رقابت کامل قرار گیرند و در این رقابت رسیدن به هرگونه سازش را محال کنند. زیرا جمهوری اسلامی ایران با حمایت از جنبش‌های مردمی در یمن همواره سعی کرده است که هم منافع خود را تامین کند و هم به ایدئولوژی مردم این کشور احترام بگذارد. این مسئله باعث نگرانی ریاض شده است زیرا ریاض از هرگونه نفوذ ایران در کشورهای هم‌پیمان خود در منطقه مخالف می‌باشد. بر همین اساس است که می‌توان واکنش ریاض به این سیاست ایران را در قالب رئالیسم تهاجمی تحلیل کرد چرا که برای رسیدن به اهداف تعریف شده در عرصه سیاست خارجی خود با کشورهای منطقه‌ای که در مطالب فوق به آن‌ها اشاره شد و کشورهای فرا منطقه‌ای ائتلافی را ایجاد کرد. اما آنچه مشخص است عربستان سعودی در پیشبرد دیدگاه‌ها و ایدئولوژی‌اش برای آینده خاورمیانه شکست خورده

و در مقابل به دنبال ترویج ترس درباره مقاصد و قابلیت‌های ایران در خلیج فارس است. این در حالی است که صدور دستورات سعودی‌ها درباره اسلام شیعه منبع اصلی خصومت‌های فرقه ای و دشمنی‌ها و این حملات نشانه ترس تدافعی عربستان است (ذوالفقاری، ۱۳۹۳). لذا برای اینکه به این اقدامات خود مشروعیت دهد از نظر واکنش بازیگران خارجی بدون مهم‌ترین نقش را در عرصه تحولات یمن داشته است. بنابراین همواره نقشی مداخله‌گرایانه در یمن داشته و این کشور را حیاط خلوت خود تلقی کرده است طوری که اکثر مردم یمن گذشته از مذهب، جهت‌گیری سیاسی یا طبقه‌ی اجتماعی بر این باورند که عربستان نقش مهمی در بی ثباتی این کشور ایفا می‌کند (Blumi, 2011: 147).

در مقابل تهاجم مذکور تهران نیز از مردم این کشور حمایت کرده و از جمله دلایل دیگری که برای استراتژی مذکور در سیاست خارجی عربستان می‌توان نام برد ترس عربستان از سرایت اعتراض‌های یمن به کشور خود می‌باشد. لذا با وجود ۱۷۷۰ کیلومتر مرز مشترک یمن با عربستان در قسمت جنوبی رژیم آل سعود باعث می‌شود که ریاض هرگونه تغییر و تحول در یمن را از بعد امنیتی مورد بررسی قرار دهد. این مسئله با براندازی رژیم علی عبدالله صالح که یکی از متحدان کلیدی ریاض به شمار می‌رفت بر نگرانی ریاض افزود (Reardon, 2014). بنابراین جنگ را برای جلوگیری از تغییر رژیم و همچنین جلوگیری از نفوذ ایران را به یمن آغاز کرد.

ممکن است به بسیاری از تندروی‌ها منجر شود و اگر این تندروی‌ها با پشتیبانی ایران باشد در دسر با آغاز جنگ و گذر دو سال و روی کار آمدن ترامپ به عنوان رئیس جمهور آمریکا، رژیم آل سعود و متحدان منطقه‌ای آن در صدد هستند که حمایت‌های کاخ سفید را نسبت به این جنگ جذب کنند. چرا که با از دست دادن و کاهش نفوذ در عراق که یک همسایه شمالی برای ریاض محسوب می‌شود و یمن که همسایه جنوبی عربستان است همچنین گسترش نفوذ روزافزون ایران در این دو کشور را یک تهدید علیه امنیت ملی خود و موقعیت منطقه‌ای خود تلقی می‌کند. جنگ در یمن که یک جنگ نیابتی بین ایران از یک طرف و عربستان و آمریکا به همراه متحدان منطقه‌ای خود از طرف دیگر به همان اندازه برای امنیت خاورمیانه مهم می‌باشد که بحران سوریه مهم است. بنابراین آمریکا به عنوان یکی از متحدان فرامنطقه‌ای ریاض حمایت‌های تدارکاتی و تسلیحاتی خود را به ائتلاف عربی در جنگ یمن افزایش داد (Rahman, 2017). در تکمیل مطلب فوق باید بیان داشت که به نظر می‌رسد عربستان از روی کار آمدن یک دولت شیعی انقلابی نگران است چرا که جو انقلابی بزرگی برای ریاض و متحدان آن فراهم می‌شود. دیگر آن که عربستان و اعراب خلیج فارس در طول دهه‌ها سلاح‌های مدرن بسیاری خریداری کرده‌اند اما هیچ‌گاه امکان استفاده عملی از آن را نداشته‌اند و ارتش‌های آن‌ها علی‌رغم این همه مخارج همچنان نآزموده و بی تجربه باقی مانده‌اند جنگ یمن نوعی تمرین برای آن‌ها برای رویدادهای آینده می‌تواند باشد.

۳- بحران عراق و استراتژی دو کشور

ایران نیز با قرار گرفتن در ائتلاف مذکور با روسیه و سوریه همچنین عراق به روال حمایت و همکاری خود از متحدان منطقه‌ای خود که امروزه سوریه درگیر بحران می‌باشد ادامه داده و سیاست خارجی خود را در چارچوب حمایت از دولت این کشور سوق داده است. چرا که با توسعه اقدامات این گروه تروریستی و مناطق تصرف شده توسط این گروه امکان دسترسی تهران را به سوریه با خطر جدی مواجه می‌کرد (tabatabal & Esfandiary, 2015). در کنار مسائل امنیتی ذکر شده، لازم است به این موضوع نیز توجه شود که عراق جایگاه مهمی در روایت و استراتژی دینی انقلابی ایران دارد. این کشور با ۲۰ میلیون جمعیت شیعه یک متحد و همکار مهم در منطقه برای ایران بشمار می‌رود. اما دیگر مناطق سنی نشین عراق تحت تاثیر عربستان و سایر کشورهای سنی مذهب منطقه می‌باشند. بنابراین پیشرفت‌های داعش باعث شد که ایران نیز عکس‌العملی مطابق تهدید ایجاد شده نشان دهد و دخالت‌های کشورهای غربی از جمله آمریکا در عراق و همچنین حمایت‌های عربستان برای تقویت اپوزیسیون سوریه را محکوم کرد. اما جدا از مطالب ذکر شده مهم‌ترین هدفی که جمهوری اسلامی ایران در قالب ائتلاف یاد شده که در صدد رسیدن به آن است نابودی کامل داعش و حفظ تمامیت ارضی عراق می‌باشد. چرا که با تقسیم عراق به سه قسمت سنی نشین-شیعه نشین و کردنشین باعث تضعیف هرچه بیشتر نفوذ ایران در عراق و نفوذ رقبای این کشور از جمله ریاض و رژیم اشغال‌گر قدس است (Esfandiary, 2015 & tabatabal).

اما مهم‌ترین سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای همانگونه که در بحران سوریه رودرروی هم قرار گرفتن در بحران عراق موضوع بدین منوال است؟ یا خیر؟ پاسخ سوال مثبت است یعنی رقابت برای نفوذ بیشتر نیز در این کشور وجود دارد و هرکدام از کشورهای دخیل در این بحران در صدد هستند که منافع خود را تامین کنند. ایران در کنار روسیه نیز به دلیل منافع مشترک و اتفاق نظر در شناسایی تهدید در بحران عراق نیز به صورت مشترک با رقبای خود در حال درگیری می‌باشند.

به عنوان مثال مقامات سعودی حتی قبل از بحران ایجاد شده در عراق و انجام عملیات‌های تروریستی توسط داعش بارها اعلام کردند که حمله آمریکا به بغداد در سال ۲۰۰۳ به نفع شیعیان و ایران به پایان رسیده است. بنابراین با شروع عملیات‌های تروریستی توسط گروه داعش با حمایت‌های مالی و تسلیحاتی از این گروه در صدد جلوگیری از نفوذ ایران برآمد. در ادامه تنش‌های موجود در عراق وزیر امور خارجه عربستان عادل الجبیر به بغداد سفر کرده و با دولتمردان این کشور گفتگو کرد. و نتیجه آن را مهم تلقی کرد لذا بیان داشت دو کشور آماده همکاری در جهت مبارزه با تروریست‌های منطقه هستند. این اقدام نشان می‌دهند که ریاض در صدد است رویکرد جدیدی

نسبت به بحران عراق اتخاذ کند و از نفوذ زیادی که جمهوری اسلامی ایران به وسیله شیعیان و شبه نظامیان و یا به عبارت دیگر نیروهای مردمی مبارز با داعش به دست آورده است جلوگیری به عمل بیاورد (Riedel, 2017).

در مقابل مقامات آمریکایی که همراه همیشگی عربستان در دو بحران عراق و سوریه می‌باشند بیان می‌دارند که با حملات هوایی و کمک‌های تسلیحاتی و نظامی در صدد هستند که به نیروهای عراق جهت مبارزه و کنترل داعش کمک کنند. اما نیروهای نظامی و مردمی همچنین دولت کنونی عراق هنوز متقاعد نشده‌اند که هدف آمریکا براندازی داعش در منطقه و عراق باشند. چرا که با کشف ویدئویی از نیروهای تروریستی در مناطق اشغال شده به اهداف واشنگتن و متحدان منطقه‌ای آن از جمله اسرائیل و عربستان مبنی بر حفظ هرج و مرج در عراق برای رسیدن با مقاصد خود از جمله انرژی نفت این کشور و منطقه پی‌بردند. همچنین رسانه‌های عراقی بیان کردند که، آمریکا هیچ تلاشی غیر از بی‌ثبات کردن عراق و فروش تسلیحات به کشورهای منطقه و تقویت حضور و نفوذ خود و ایجاد پایگاه‌های نظامی ندارد (George & Salaheddin, 2016). امروزه نیز با آزاد شدن موصل و تضعیف قدرت داعش در عراق بحث خودمختاری و منطقه اقلیم کردستان نیز از جمله مسائلی است که مورد تنش می‌باشد. در این باره با رایزنی‌هایی که آقای بارزانی برای برگزاری فراندوم انجام داد رقبای منطقه‌ای ایران از جمله رژیم اشغال‌گر قدس و عربستان برای رسیدن به اهداف سیاسی خود در این کشور از برگزاری این فراندوم و ایجاد یک منطقه خود مختار حمایت می‌کند. در این مورد نیز نتایج نخست وزیر رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۴ بیان داشت که "کردها یک ملت مبارز و از نظر سیاسی معتدل هستند که می‌توانند از لحاظ سیاسی با ارزش‌تر از یک دولت باشند" (Frantzman, 2017).

در مقابل این دیدگاه‌های غربی-عربی باید به رویکرد مسکو و ایران نیز اشاره کنیم. روسیه بعد از اینکه آقای مسعود بارزانی اعلام کرده که کردستان عراق در ۲۵ دسامبر ۲۰۱۷ برای گرفتن استقلال فراندوم برگزار می‌کند توسط وزیر امور خارجه خود یعنی آقای سرگئی لاوروف بیان داشت که "با اینکه برگزاری فراندوم آرمان قانونی کردها را نشان می‌دهد اما اقلیم کردستان باید مطابق قوانین بین‌المللی کار کند." ایران نیز در کنار روسیه به عنوان یکی دیگر از متحدان کلیدی دولت عراق با برگزاری فراندوم مخالفت خود را اعلام کرد (Frantzman, 2017). چرا که ایران و روسیه این حمایت‌های رژیم اشغال‌گر قدس و هم‌پیمانان آن در منطقه و آمریکا از برگزاری فراندوم در منطقه اقلیم کردستان، را یک اهرم برای بی‌ثباتی در عراق و دولت امروزی می‌داند بنابراین با آن مخالفاند (Akreyi, 2017).

۴- بحران بحرین و استراتژی دوکشور

تسری شتابان تحولات تونس به مصر و سایر کشورهای عربی در این چارچوب و در نگاه به فرهنگ سیاسی ملت‌های عرب کاملاً قابل درک است. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نیز همچون سایر کشورهای عربی از تحولات تونس و مصر اثر پذیرفته و تحركات مردمی گسترده (بحرین و تا حدودی عمان) به خود دیدند این کشورها شاهد تجمعاتی بودند که خواستار اصلاحات اقتصادی، سیاسی و اعطای آزادی‌های مدنی و حتی سرنگونی رژیم‌ها در بحرین شدند. بحرین به ظاهر بیش‌ترین تأثیر را از این دگرگونی‌ها پذیرفت، اما در نگاه به موازنه نیروهای ائتلاف‌های منطقه ای، به نظر می‌رسد در این دوره عربستان سعودی با چالش‌های گسترده تر و مؤثرتری روبرو بوده باشد. ریاض نه تنها با تهدیداتی داخلی روبرو شد بلکه در محاصره دگرگونی‌هایی قرار گرفت که همواره از بروز آن‌ها در کشورهای پیرامون بیمناک بود. چرا که بحرین در محور نخست جهان بینی سیاسی سعودی قرار دارد و از جمله فوری‌ترین مسایل سیاست خارجی عربستان، حفظ امنیت و ثبات این کشور پادشاهی است. زیرا افزون بر قرار داشتن در محور نخست چیدمان سیاست خارجی امنیت محور عربستان، از جمله کشورهای شورای همکاری است که از نظر امنیتی کاملاً به ریاض وابسته است.

ریاض با حمایت از دولت کنونی بحرین در صدد است که از یک نظام پادشاهی در منطقه به نفع خود حمایت کند. در این چارچوب و در صدد است که با حمایت از نظام هم‌پیمان خود در بحران بحرین از روی کار آمدن شیعیان در این کشور و نفوذ ایران جلوگیری کند (ottaway, 2011). در این باره (آنتونی کردسمن) در بیان اهمیت امنیت و ثبات بحرین برای ریاض می‌نویسد: عربستان برای جلوگیری از شورش‌های داخلی و نفوذ ایران اقدام به حمایت از دولت پادشاهی بحرین می‌کند (cordesman, 2011). این مداخله به وضوح استراتژی سعودی را به نمایش می‌گذارد پس از بی ثمر ماندن طرح‌های شورای همکاری برای رفع بحران بحرین و ساکت کردن معترضان، مداخله در چارچوب نهادی شورا آغاز می‌شود و ادعای تهدید ایران علیه بحرین مطرح و در رسانه‌ها عربی پررنگ می‌شود. پس از گذشت روز خشم عربستان و نیز پایان اولتیماتوم مورد ادعا، نیروهای عربستان و امارات، زیر چتر شورای همکاری خلیج فارس، وارد بحرین شده و به سرکوب معترضان پرداختند در این میان سعودی‌ها با تکیه بر رسانه‌ها منطبق‌های خویش و در راستای توجیه مداخله سپر جزیره، بحرین را مورد تهدید مداخله ایران نشان می‌دادند و ورود نیروهای سپر جزیره به بحرین را بر این مبنا توجیه می‌کردند. این امر در راستای توجیه حقوقی ورود نیروها به بحرین صورت می‌گرفت، زیرا بنا بر اساسنامه سپر جزیره، اعضا تنها در برابر تهدید خارجی مجوز مداخله به سود کشور مورد تهدید می‌یافت.

همانگونه که در مطالب فوق متذکر شدیم عربستان خطر بهره برداری ایران از تغییر رژیم در بحرین را علت اصلی مداخله خود ابراز می‌کند (kerr,2011:13). در این چارچوب ریاض اقداماتی برای تقویت سنی‌های این کشور و دولت کنونی انجام داد که مهم‌ترین این اقدامات دادن ویزا به شهروندان غیر بحرینی سنی مذهب برای افزایش جمعیت سنی‌ها در این کشور بود (katzman,2011:3). زیرا با قدرت گیری شیعیان در بحرین به نظر می‌رسد ریاض را به شکل جدی تحت تاثیر قرار دهد. چرا که جمعیت شیعه عربستان در استان قطیف هم مرز بحرین ساکن هستند و این موضع باعث می‌شود که عربستان برای جلوگیری از نفوذ اعتراضات به این کشور و تحت تاثیر قرار گرفتن جمعیت شیعیان خود اقدامات تهاجمی را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار دهد (نادری، ۱۳۸۷ص:۸۱۲). لذا با این اقدام از روی کار آمدن یک دولت جایگزین رژیم آل خلیفه که ریاض آن را دست‌نشانده ایران می‌داند جلوگیری می‌کند (Bronoson,2011).

در مقابل سیاست ایران در منطقه متفاوت از سیاست اعراب می‌باشد. که ترکیبی از منافع و ارزش‌ها از لحاظ منافع بحرین در حوزه سیاسی-امنیتی ایران در منطقه حساس خلیج فارس است. و حضور نیروی نظامی عربستان در بحرین و حمایت آمریکا از این سیاست، با هدف تسلط و کنترل جریان‌های سیاسی-امنیتی در بحرین و کل منطقه خلیج فارس صورت گرفته و از لحاظ ارزشی، بحرین یک کشور شیعه مذهب است لذا ایران به سرنوشت هم نوعان و هم مذهبان خود حساسیت نشان داد و نوعی هم بستگی با مردم بحرین ابراز داشت. و عربستان نیز با این اقدام جمهوری اسلامی ایران مخالف می‌باشد و با اعزام نیروی نظامی به این کشور و سرکوب مخالفین شیعی در بحرین این بحران را به یک موضوع فرقه ای تبدیل کرده که نه تنها در ایران بلکه شیعیان در کشورهای دیگر به خصوص به ویژه عراق در قالب اعتراضات مردمی مخالفت خود را با این تجاوز ریاض اعلام کردند.

نتیجه گیری

در این پژوهش با توجه به فرضیه مبنی بر تنش در سیاست خارجی ایران و عربستان در بحران‌های یمن، سوریه، عراق و بحرین ضمن تایید فرضیه مذکور نتیجه به دست آمده بدین صورت است که دو کشور ایران و عربستان به عنوان دو قدرت منطقه‌ای هر کدام به دنبال تامین منافع خود در چارچوب حمایت از متحدان منطقه‌ای خود هستند. در برخی از این تحولات نوین خاورمیانه به دلیل ژئوپلیتیک مهم این منطقه منجر به دخالت قدرت‌های فرا منطقه‌ای در بحران‌های مذکور شد. در کنار این موضوع ایران و عربستان برای پیش‌برد اهداف خود ائتلاف‌ها را با کشورهای هم‌پیمان منطقه‌ای و کشورهای فرامنطقه‌ای ایجاد کردند. عربستان با توجه به نفوذ همه جانبه جبهه مقاومت به رهبری ایران در منطقه که امروزه در بحران سوریه و عراق نقش آفرینی می‌کند در صدد است که از نفوذ و مانور بیشتر ایران در منطقه جلوگیری کند. اما در سوریه که دولت این

کشور با رئیس جمهوری بشار اسد در صف متحدان ایران قرار دارد به همین منظور ریاض برای جلوگیری از نفوذ ایران با حمایت از معارضین این کشور به دنبال ساقط کردن دولتی همخوان با سیاست خارجی ایران است. در مقابل ایران نیز در تلاش است از تغییر رژیم سوریه به نفع عربستان جلوگیری کند.

ریاض با توجه به گسترش نفوذ جبهه مقاومت در منطقه نگران از دست دادن متحدان خود است. در این چارچوب می‌باشد که از تغییر رژیم در بحرین جلوگیری کرده و با نیروهای نظامی خود همواره در صدد می‌باشد که از این مسئله جلوگیری کند که نمونه این اقدام را در کشور بحرین قابل مشاهده است. جمهوری اسلامی ایران نیز بنا بر رسالت خود در چارچوب راهبرد سیاست خارجی خود همواره به دنبال حمایت از متحدان منطقه ای خود است. لذا در بحران سوریه که بیشترین تنش با دولت ریاض را در این کشور دارد برای جلوگیری از ساقط شدن دولت این کشور کمک‌های مستشار به این کشور ارائه داده و کوشیده است دولت کنونی سوریه که یکی از متحدان منطقه‌ای آن است را حفظ کند.

لذا در بحرین و یمن با توجه به تهاجمات گسترده عربستان به این دو کشور جمهوری اسلامی ایران همواره تلاش کرده است این اقدامات مذکور را محکوم کند. همچنین با حمایت از مردم این کشور در مقابل تهاجمات عربستان و حکومت‌های مستبد آن‌ها نفوذ خود را در این کشورها بیشتر کرده و مشروعیت سیاست خارجی خود را در منطقه افزایش دهد. این موضع باعث واکنش هرچه بیشتر عربستان در منطقه شده و ریاض نیز تمام تلاش خود را در کنار حمایت‌های کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای برای جلوگیری از رسیدن جمهوری اسلامی ایران به اهداف مذکور انجام می‌دهد. در کشور عراق نیز تنش موجود در سیاست خارجی طرفین به همین منوال است و هرکدام از دو کشور همواره در صدد افزایش نفوذ خود در عراق و روی کار آوردن دولت همخوان با سیاست خارجی خود هستند.

فهرست منابع

الف). منابع فارسی

- احمدیان، حسن و محمد زارع (۱۳۹۰)، "استراتژی عربستان در برابر خیزش‌های جهان عرب"، فصلنامه رهنامه سیاست گذاری، سال دوم، شماره دوم، صص ۹۷-۷۵.
- ترابی قاسم، محمدیان علی (۱۳۹۴). "تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه از منظر واقع گرایی تدافعی"، فصلنامه سیاست پژوهی، دوره دوم، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۴، صص ۹۰-۶۱.
- جانسیز، احمد؛ بهرامی مقدم، سجاد و علی ستوده (۱۳۹۳)، "رویارویی ایران و عربستان در بحران سوریه"، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره ۱۲

- ذوالفقاری، امیرعلی (۱۳۹۳)، "تحولات یمن، ریشه‌ها و روندها"، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۳۹۲۸، مهر ۱۳۹۳.
- صادقی، حسین، احمدیان، حسن (۱۳۸۹)، "دگرگونی جایگاه منطقه‌های یمن: امکانات و چالش‌ها"، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵۶، پاییز ۱۳۸۹، ص: ۲۵۶-۲۵۰.
- صادقی سید شمس الدین، لطفی کامران (۱۳۹۴)، "تحلیل مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه"، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره اول، بهار ۱۳۹۴، صص: ۱۴۴-۱۲۳.
- مدنی، مهدی و حسین هواسی (۱۳۹۳)، "رفتارشناسی سیاست خارجی عربستان در قبال مصر و بحرین بعد از انقلاب‌های عربی"، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۹، صص: ۸۰-۶۳.
- میرزاده کوهشاهی مهدی (۱۳۹۳)، "استراتژی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه؛ سناریو و پیامدها" پژوهشنامه دفاع مقدس، سال سوم، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۹۳، صص ۱۷۱-۱۸۸.
- متقی ابراهیم و همکاران (۱۳۹۳)، "نقش بازیگران منطقه ای در رادیکالیزه شدن نیروهای اجتماعی خاورمیانه"، فصلنامه سیاست جهانی، دوره سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۳، صص: ۶۷-۳۵.
- نجات سیدعلی و همکاران، (۱۳۹۵)، "راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن"، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال نهم، شماره ۳۳، بهار ۱۳۹۵.
- هدایتی شهیدانی مهدی و سجاد کلارد مرادی (۱۳۹۵)، "تبیین سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال تروریسم تکفیری در عراق و سوریه"، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۳۱، صص ۱۱۴-۸۹.

(ب) منابع لاتین

- Akreyi Minhaj (2017). « Why we should vote ‘yes’ in the Kurdistan referendum», Available in: <http://www.rudaw.net/english/analysis/05082017>.
- Bronson, R. (2011). these day for Saudi leadership, Interview with CFR, RG.
- Bronson, R (n.d), (2011).saudi Arabias Intervention in Bahrain: A Necessary Evil or Astrategic Blander.2011: Foreign policy Research Institute.
- Blumi, Isa. (2011).Chaos in Yemon: Societal Collapse and the New Authoritarianism, Routledge.

- Cordesman, Anthony H. (2011, April 27), "Iranian and Saudi Competition in the Gulf," United States Institute of Peace, The Iran Primer, (<http://iranprimer.usip.org/blog/2011/apr/27/iranian-and-saudi-competition-gulf>).
- Frantzman Seth j.(2017).« KURDISTAN HOPES REFERENDUM WILL BRING STABILITY, BUT CAN IT CONVINC THE WORLD?»,Availablein:
<http://www.jpost.com/International/Kurdistan-hopes-referendum-will-bring-stability-but-can-it-convince-the-world-501561>.
- Gizitdinov nariman& meyer Henry(2017),«Russia Set to Police Syria Safe Zones BackedbyIran,Turkey»,Availablein:[https://www.bloomberg.com/politics/articles/2017-05-04/russia-turkey-iran-sign-agreement-on-syria-safe-zone-plan-Jim W. Dean](https://www.bloomberg.com/politics/articles/2017-05-04/russia-turkey-iran-sign-agreement-on-syria-safe-zone-plan-Jim-W-Dean)(2017),«Iran, Russia, Turkey start bids to solve Syria crisis diplomatically:Zarif»,Availablein:<http://www.veteranstoday.com/2016/12/20/iran-russia-turkey-start-bids-to-solve-syria-crisis-diplomatically-zarif>.
- Katzman, k. (2011).Bahrain: Reform, security, and U.S. policy.
- Kerr, c., Jones, T. (2011).Bahrainat the crossroads, the Aje of Revolution and counter Revolution, Independent.
- LiangxiangJin (2016),« TheU.S.Can Do Moreto Solve Syrian Crisis», Available in:<http://www.chinausfocus.com/peace-security/the-u-s-can-do-more-to-solve-syrian-crisis>.
- Max Fisher(2016),« The cold war between Saudi Arabia and Iran that's tearing aparttheMiddleEast,explained», Available in:<https://www.vox.com/2016/1/4/10708682/sunni-shia-iran-saudi-arabia-war>.
- Martin Reardon (2014).« Saudi Arabia, Iran and the 'Great Game' in Yemen», Availablein:<http://www.aljazeera.com/indepth/opinion/2014/09/saudi-arabia-iran-great-game-ye-201492984846324440.html>.

- Ottaway, Marina (2011), “Bahrain: Between the United States and Saudi Arabia,” Carnegie Endowment for International Peace. (<http://www.carnegieendowment.org/2011/04/04/bahrain-between-united-states-and-saudi-arabia/t8>).
- Riedel Bruce (2017).« What’s behind Saudi Arabia’s new diplomatic offensives?», Available in: <https://www.brookings.edu/blog/markaz/2017/02/27/what-s-behind-saudi-arabias-new-diplomatic-offensives>.
- Rahman Omar (2017).« Fleeing scandals at home, Trump may be following Saudi Arabia into a whole new quagmire», Available in: <https://qz.com/986198/donald-trump-middle-east-trip-involvement-in-saudi-arabias-war-in-yemen-wont-play-well-with-america-first-voters>.
- Salaheddin Sinan & George Susannah(2016).« U.S. struggles to convince Iraqis it doesn’t support ISIS», Available in: <https://www.militarytimes.com/flashpoints/2016/05/08/u-s-struggles-to-convince-iraqis-it-doesn-t-support-isi>